

شورای کارگری ما (۱) و مزدور منشی اتحادیه کارگری برای سرمایه

ملک پیرخضری

شنبه بیست پنجم آبان ۱۳۸۷

این روزها بساط توصیه ساختن سندیکا به کارگران ایران همه جا پهن است. سرمایه برای ماندگارسازی خود و روند استثمار نیروی کار فقط ارتش و سپاه و بسیج و دستگاههای سرکوبگر را سازمان نمی دهد، قانون نیز وضع می کند، نظم سیاسی و مدنی و اجتماعی لازم را هم مستقر می سازد. در درون این قوانین، قراردادهای و نهادسازی ها هر جا ضرورت ایجاب کند سوپاپ های اطمینان درست می کند.

این سوپاپ اطمینان ها اگر چه هیچ وقت برای دولت های سرمایه داری ها و جنایتکار از نوع رژیم های سلطنتی و جمهوری سرمایه در ایران خوشایند نبوده اند و نیستند، اما برای اپوزیسیون های داخلی طبقه سرمایه دار راه فرارهای خوب و مناسبی برای خزیدن به درون جنبش کارگری و منحل نمودن این جنبش در رقابت ها و تسویه حساب های درونی خویش است. سندیکاسازی الگوی آشنا و نسبتاً سراسر است این نوع سوپاپ پردازی ها است. در باره اینکه سندیکا چیست فعالین لغو کار مزدی دنیائی نوشته اند و گفته اند و من در این جا هیچ نیازی به تکرار آن ها نمی بینم. بحث من طرح تجربه معینی در این مورد برای هم زنجیرانم در ایران و کردستان می باشد. هدف من از نگارش این نوشته کوتاه فقط همین است. شورای ما موسوم به «شورای کارگری گرونرلوکا» در شهر اسلو در روز اول ماه مه ۲۰۰۸ اعلام موجودیت کرد و تا حالا ۴۰ نفر از کارگران مهد کودکهای این محله در آن متشکل شده اند، برپائی این شورا حاصل یک دوره طولانی جدال و کشمکش ما فعالین کارگری عضو اتحادیه بخش خدمات در این محله با سیاست های رفرمیستی، سازشکارانه و سرمایه پسند مسئولین آن بود. فعالینی که حاضر نبودند در مقابل دسیسه ها و ترفندهای ضد کارگری و مزدورمنشانه سران اتحادیه ساکت بنشینند و نظاره گر تعرض روزانه حاکمان سرمایه به سطح معیشت خود و همزنجیرانشان باشند. آنان که خود نماینده کارگران مراکز کارگری بودند بارها و بکرات در جلسات رسمی اتحادیه بر علیه سیاست های مامشات جویانه و سرمایه پسند سران اتحادیه صدای اعتراضشان را بلند کردند و سرانجام در روز ۳۱ ژانویه ۲۰۰۸ در جلسه رسمی اتحادیه همراه با دهها نفر از کارگران، جلسه را ترک کردند و همان روز با برگزاری مجمع عمومی خودشان شورای کارگری گرونرلوکا را تشکیل دادند. مسئولین اتحادیه که از توسعه و سرایت این شورا به مراکز کارگری دیگر بشدت هراسان شده بودند از همان روزهای نخست با سر زدن به مراکز کارگری محله گرونرلوکا و بسیج نمایندگان مزدور سرمایه تبلیغات وسیعی را علیه فعالین شورا به راه انداختند. اما تمام این ترفندهای ضد کارگری آنان با هوشیاری کارگران خنثی شد و به تدریج سوای افراد مؤسس شورا کارگران بیشتری نیز به آن پیوستند و بالاخره شورا با شرکت مستقل در مراسم اول ماه مه موجودیت خود را در سطحی وسیع تر به اطلاع همه کارگران اسلو رساند. ما به راه خود ادامه دادیم و برای گسترش دامنه تلاش شورا و سازمانیابی وسیع تر آن کوشش کردیم. عمده و اگره اتحادیه نیز هر چه توانستند علیه ما انجام دادند، ماه سپتامبر

امسال زمان مذاکرات میان اتحادیه های کارگری و کارفرمایان بر سر افزایش دستمزد کارگران محلات مختلف شهر اسلو بود. شورای کارگری گرونرلوکا در یک نامه رسمی به تاریخ ۲۵ اوت با امضای ۴۰ نفر از کارگران عضو خطاب به کارفرمایان محله گرونرلوکا اعلام کرد که خواهان افزایش دستمزد اعضای شورا و همه کارگرانی است که در هیچ اتحادیه ای عضو نیستند. در این نامه به کارفرمایان هشدار داده شد که شورا هیچ گونه تبعیضی را میان دستمزد اعضای خود و افراد عضو اتحادیه ها تحمل نمی کند و به هر شکلی که بتواند علیه چنین شرارتی پیکار خواهد کرد. روز دوشنبه دهم نوامبر کارفرمایان به نمایندگان شورا اطلاع دادند که پروسه مذاکرات بر سر افزایش دستمزدها به پایان رسیده است و دستمزد اعضای شورا و کارگرانی که عضو هیچ اتحادیه ای نیستند همسان همه کارگران دیگر افزایش یافته است. لحظاتی بعد از منابع مطمئن و موثق مطلع شدیم که کارفرمایان با دو اتحادیه کارگری این محله به توافق رسیده اند اما با اتحادیه بخش خدمات به توافق نرسیده اند و یکی از دلایل اصلی این عدم توافق پافشاری سرسختانه و کثیف مسئولین اتحادیه برای جلوگیری از هر گونه افزایش دستمزد کارگران عضو شورا بوده است!! در مورد اینکه چرا کارفرمایان به این خواست سرمایه پسند و خائنانه و مزدورمنشانه سران اتحادیه بخش خدمات پاسخ منفی داده اند مسأله کاملاً روشن است، آنان بخوبی می دانستند که اگر به خواست شورا توجه نکنند با عکس العمل شدید و قاطع کارگران متشکل در این شورا مواجه خواهند گردید. همچنین آن ها کاملاً اطمینان داشتند که اعتراض شورا مورد حمایت توده وسیعی از کارگران حتی کارگران خارج از شورا و عضو اتحادیه قرار خواهد گرفت. سؤال اساسی این است که چرا اتحادیه ای که عوامفریبانه خود را ظرف مبارزاتی کارگران می داند دست به این عمل زشت و ضد کارگری می زند. جواب این سوال نیز کاملاً شفاف و روشن است. جنبش اتحادیه های تاریخی و سنتاً نه فقط همه جا به نفع سرمایه بر قدرت پیکار طبقاتی توده های کارگر چوب حراج زده است بلکه هم زمان هر کجا که کارگران خواسته اند به نیروی خودشان متکی شوند و قدرت خود را به نمایش بگذارند برای سرکوب این نمایش قدرت از اعمال هیچ ترفند و توطئه و شرارتی ابراء نکرده است. نمونه ای که در بالا به آن اشاره شد تنها قطره ای از دریای ترفندها، مماشات جوئی ها، سازشکاری ها و سیاست های سرمایه پسند و ضد کارگری جنبش اتحادیه ای است. سران اتحادیه بخش خدمات که با دریافت حق عضویت کارگران زندگی مرفهی را برای خود دست و پا کرده اند، در اطاق های در بسته و پشت میز مذاکرات به دور از چشم کارگران عضو این اتحادیه دست به دامن کارفرمایان شدند تا بلکه نگذارند بهای بسیار ناچیز فروش نیروی کار بخشی از کارگران افزایش یابد. آنان حتی از افزایش دستمزد اعضای خودشان هم چشم پوشی کردند تا بلکه بتوانند کارفرمایان و صاحبان سرمایه را به جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران عضو شورا راضی سازند! لازم به توضیح است که طبق قراردادی که میان اتحادیه های کارگری، کارفرمایان و دولت منعقد شده است اگر در جریان مذاکرات بر سر افزایش دستمزدهای محلی، طرفین به توافق نرسند، اتحادیه های کارگری حق اعلام اعتصاب ندارد و در نتیجه هیچ معلوم نیست که سرنوشت آن عده از کارگرانی که عضو اتحادیه بخش خدمات هستند و دستمزدهایشان افزایش نیافته است چه خواهد شد. بدون هیچ تردیدی فعالین شورای کارگری گرونرلوکا ترفند زشت این اتحادیه را در میان کارگران این محله افشا و رسوا خواهند کرد.

به نقطه شروع بحث باز گردیم. موج تبلیغات وسیعی که امروز برای سندیکا سازی و سازمانیابی سندیکالیستی از

سوی سندیکالیست های راست و جریانات دوم خردادی و محافل مشابه به راه افتاده است و طیف احزاب و گروههای فرمیسم چپ در داخل و خارج هوراکشان به استقبال آن شتافته اند، ماهیتش این است که اشاره شد. توصیه سندیکاسازی دوستی با کارگران نیست، فرستادن آن ها به دنبال نخود سیاه است. نظام سرمایه داری خود شب و روز راه حلهای آویختن کارگران به دار قانون و نظم و مدنیت جنایتکارانه اش را در پیش پای کارگران پهن می کند، احزاب طیف فرمیسم چپ و سندیکالیست های خارج کشوری لازم نیست تمامی پتانسیل و موجودیتشان را صرف تبلیغ و ترویج این راه حلهای مخرب فرمیستی در میان هواداران کارگر نمای خود کنند. واقعیت این است که توصیه سندیکاسازی اینک به شیرازه اتحاد تمامی احزاب و گروهها و اتحادهای چپ نمای موسوم به کمونیست و کارگری، توده ای ها، اکثریتی ها، سندیکالیست های داخل و خارج تبدیل شده است. بگونه ای که احزاب چپ کار را به جایی رسانده اند که حتی مصوبات کنگره هایشان را نیز به توصیه سندیکاسازی زینت می بخشند. هیچ کارگر عاقلی نباید فریب این توصیه های شوم سرمایه پسند را بخورد، آنان که تلاش می کنند تا مبارزات ضد سرمایه داری توده های کارگر ایران را درون سندیکا منحل کنند، آنان که شب و روز وعده حمایت حلقه بگوشان سرمایه امثال گای رایدرها، دولت های سرمایه داری غرب و اتحادیه های کارگری آلت دست سرمایه را در گوش کارگران ایران لالائی می کنند باید بدانند که پتک سرمایه را بر سر مبارزات طبقه کارگر می کوبند و آب به آسیاب نظام بردگی مزدی می ریزند. کارگران ایران حق دارند از طیف وسیع فرمیسم راست و چپ بپرسند این روزها که بحران سرمایه داری روزانه هزاران نفر از کارگران عضو همین اتحادیه های باب دل اینان را درو می کند و به خیل عظیم بیکاران ملحق می سازد گای رایدرها و سران اتحادیه های دارای ۱۵۰ میلیون عضو! کجا هستند. آنان که شب و روز کارگران ایران را به قدرت گای رایدردلخوش می کنند لطفاً برای کارگران اطراف خود توضیح دهند که گای رایدرها در جریان این تعرض شوم سرمایه به زندگی کارگران در کجا ایستاده اند. طبقه کارگر ایران سوای سازمانیابی شورائی ضد سرمایه داری و برای لغو کارمزدی هیچ راه چاره دیگری ندارد. آنان که نسخه سندیکا را برای کارگران ایران می پیچند و راه دیگری را به کارگران نشان میدهند آگاهانه یا ناآگاهانه کار دشمنان این طبقه را انجام می دهند.

ملک پیرخضری

نوامبر ۲۰۰۸

(۱) در باره شورای کارگری گرونرلوکا پیش تر اسنادی را منتشر ساخته ایم. برخی از این اسناد در سایت سیمای سوسیالیسم و کارگران پیشرو موجود است. محض اطلاع خوانندگان که اسناد را ندیده اند یکی از آن ها در زیر ضمیمه می شود.

تشکیل شورای کارگری گرینرلوکا

امروز اول ماه مه ۲۰۰۸ تشکیل شورای کارگری محله گرینرلوکا را اعلام می کنیم. هدف شورای کارگری گرینرلوکا این است که این شورا به ارگان قدرت کارگران تبدیل شود و پیگیرانه برای ایجاد شوراهای کارگری دیگر در مراکز کارگری و ایجاد همکاری میان آن ها تلاش کند. تشکیل این شورا نشان می دهد زمان آن رسیده است که ما با جنبش اتحادیه ای تصفیه حساب کنیم. از سال ۲۰۰۸ تعطیلی مراکز کارگری، فشار به سطح معیشت طبقه کارگر و ایجاد شرایط دشوار در محیط های کارگری به اوج خود رسید. تلاش های زیادی که از جانب بدنه کارگری برای جلوگیری از این تعرضات صورت گرفت از طرف اتحادیه های کارگری خود ما خاموش گردید. مراکز

کار و تولید را از دست دادیم، به حق برخورداری ما از قانون مرخصی در ایام مریضی و دستمزد اضافی برای اضافه کاری تعرض شد، چند روز از مرخصی سالانه همراه با همکاران آشپزمان را از ما گرفتند و زمینه را برای ایجاد قراردادهای موقت کار فراهم نمودند. با وجود اینکه سالانه چند هزار کرون بابت عضویت به اتحادیه ها پرداخت می کردیم، شاهد پس دادن امکانات رفاهی کارگری یکی پس از دیگری بودیم. به خاطر این مسائل است که ما تصمیم گرفتیم دسته جمعی از اتحادیه کناره گیری کنیم و شورای کارگری خودمان را تشکیل دهیم تا زمینه های ایجاد همبستگی میان کارگران را برای جلوگیری از تعرضاتی که از سوی کارفرمایان به سطح معیشت ما کارگران صورت می گیرد فراهم نمائیم. اتحادیه های کارگری نشان داده اند که ایجاد همبستگی میان صفوف ما کارگران برای آنان نه تنها اهمیت ندارد بلکه عملاً صفوف ما را شقه کرده ند.

ما کارگران متشکل در شورای کارگری گرینرلوکا، تمام کارگران را فرا می خوانیم که در مراکز کار و تولید به ایجاد شوراهای مستقل کارگری اقدام نمایند. همچنین فراخوان ما به تمامی کارگران محله گرینرلوکا این است که به شورای کارگری این محله بپیوندند.

شورای کارگری گرینرلوکا

خواست های ما

۱. پرداخت دستمزد اضافی به کارگرانی که در زمان کار مشغول کارهای خطرناک می باشند.
۲. هر گونه طرح و برنامه ای از جانب کارفرما که منجر به تغییرات شرایط محیط کار شود باید به تأیید مجمع عمومی شورا برسد.
۳. هر گونه جابه جایی افراد و تغییرات در محیط کار بدون دخالت شورا باید سریعاً متوقف شود.
۴. حداقل دستمزد کارگران شاغل در محله گرینرلوکا نباید کمتر از ۱۵۰ کرون در ساعت باشد.
۵. کارگران قراردادی باید از شغل رسمی برخوردار شوند، در غیر این صورت دستمزد آنان باید برابر با دستمزد کارگران رسمی باشد.
۶. کارگران معلم و دیگر کارگرانی که در مدارس مشغول بکار می باشند باید در ایام تعطیلی مدارس از دستمزد کامل برخوردار باشند.
۷. اقدام به اشتغال کارگر آشپز در مراکزی که به آشپز احتیاج دارند.
۸. حداقل ۵۰۰ کرون در ماه بابت پول لباس کار
۹. مشاغل خالی در مراکز کارگری باید سریعاً پر شوند.
۱۰. تمام بودجه مربوط به افزایش دستمزها باید سراسری باشد و میان شهرداری های محلی تقسیم نشود.
۱۱. استخدام کارگر قراردادی برای پر کردن جای کارگر مریض از روز اول اعلام مریض بودن کارگر.
۱۲. حداقل ۹ روز مرخصی اضافه برای کارگرانی که با کودکان، معلولان و بیماران روانی کار می کنند.
۱۳. توقف فوری هرگونه تبعیض در مراکز کار و تولید.
۱۴. کارفرما باید دستمزد دوران اعتصاب را به طور کامل پرداخت نماید.
۱۵. فعالیت های شوراهای کارگری در مراکز کارگری باید بعنوان شغل بحساب آید و کارفرما موظف است هزینه فعالیت های این شوراها را پرداخت کند.
۱۶. هرگونه استخدام کارگر جدید باید با مشورت با نماینده شورای محیط کار صورت گیرد.
۱۷. مراکز خدماتی مانند مهد کودک ها و مدارس باید مداوماً در حال رشد و توسعه باشند بدون اینکه منجر به دشوار شدن شرایط کار کارگران این مراکز شود.

برگه درخواست عضویت را به توماس، ملک یا کریستین تحویل دهید یا مستقیماً به آدرس شورا بفرستید

THOMAS TISLØV
AKERSVEIEN 24 B
0177 OSLO
E-POST
arbeiderraad@gmail